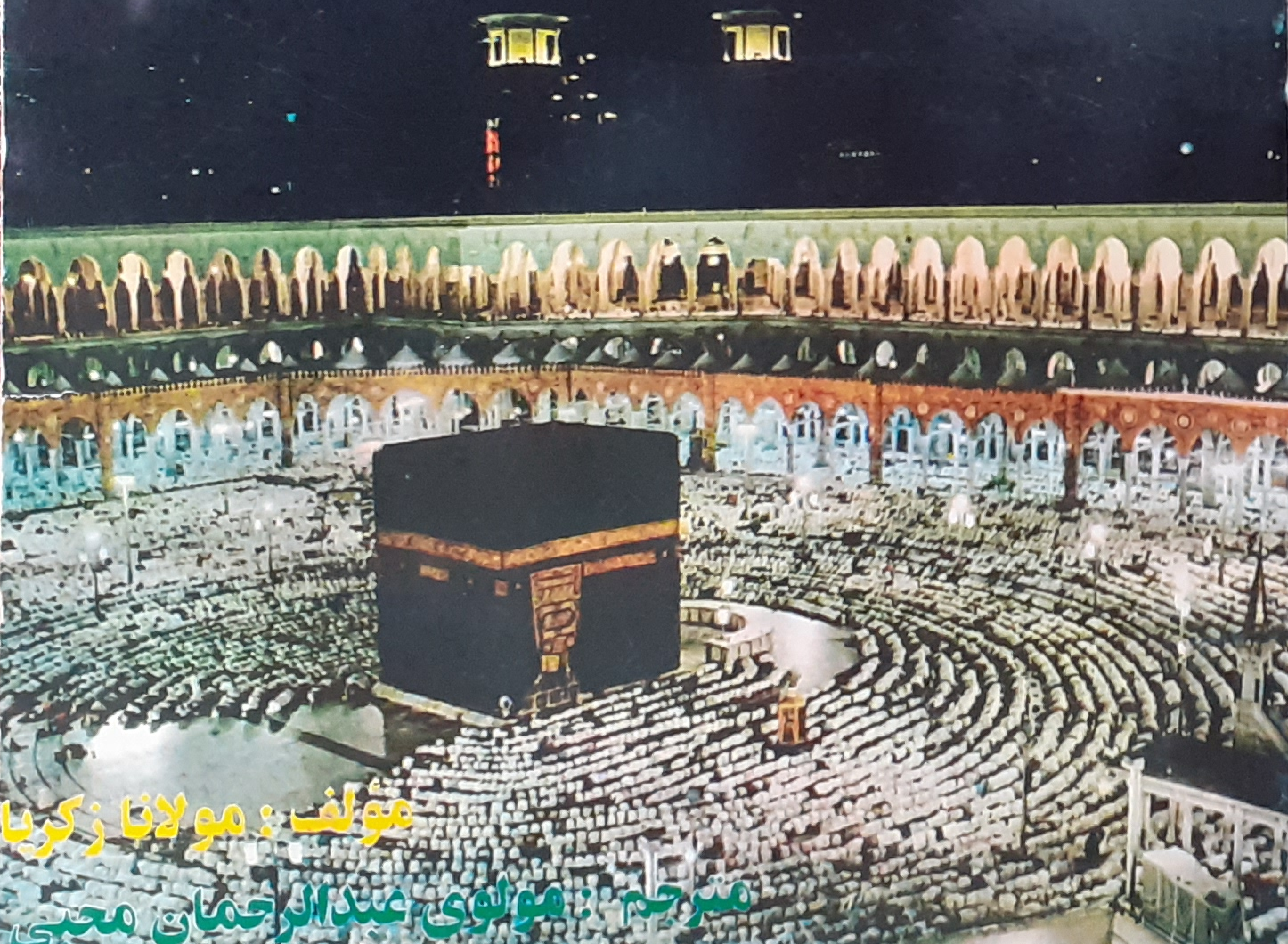
مجموعه فضائل حج

و

راهنمای حجاج



مؤلف : مولانا زکریا

مترجم : مولوی عبدالرحمان محبی

مجموعه فضائل حج

و

راهنمای حجاج

مولف: مولانا محمد زکریا

مترجم: عبدالرحمن محبی

بسم اللّٰه الرّحمن الرّحيم

واتمّوا الحج والعمرة للّٰه: حج و عمره را براى خدا كامل كنيد.

فضائل حج

مؤلفه حضرت مولنا الحاج المحدث
محمّد زكريا صاحب (رحمة اللّٰه عليه)
شيخ الحديث مظاهرالعلوم سهارنپور

كه در آن حج عمره، فضائل و آداب زيارت و واقعات جالبى از عاشقان راه خداوند به تفصيل بيان شده است.

مترجم: عبدالرحمن محبّى، مقيم زاهدان

«تمهید»

نحمده و نصّلی علی رسوله الکریم

حامداً و مصلیاً و مسّلماً - امّا بعد:

به توفیق خداوند بزرگ توانستم در رابطه با دعوت و تبلیغ یکسری رساله تحریر و انتشار دهم که به فضل پروردگار دربارهٔ مفید و مؤثر بودن آن از طرف بزرگان، دوستان و خوانندگان بصورت تحریری و زبانی تشویق و تبریک زیادی دریافت گردید، و این موضوع برایم تعجب‌انگیز است زیرا نظر به عجز و نااهلی خودم نه توقعی چنین داشتم و نه امیدی و انتظاری، زیراکسی که خود عمل نکند گفته‌اش چه تأثیری خواهد داشت، البته من همهٔ این اثرات را از برکات عموی گرامی‌ام مولنا محمدالیاس رحمه‌الله می‌دانم زیرا او بخاطر زحمات و مساعی گرانبهاء خود نه تنها در گوشه گوشه هند بلکه در کل جهان شهرت بسزائی دارد، آری این کرامت و کرشمه کاری آن بزرگوار است، چهار سال از رحلت ایشان می‌گذرد متأسفانه سلسله تألیف این رساله از همان موقع نیز منقطع گردید، حال آنکه معظم‌له نسبت به دو کتاب خیلی اصرار و بالخصوص در روزهای آخر عمر بسیار تأکید می‌فرمودند: ۱ - کتابی دربارهٔ تجارت و فضائل آن که توانستم در همان روزهای بیماری ایشان آنرا نوشته و تقدیم محضرشان کنم، البته بخاطر شدّت گرفتن مرض نتوانستند آنرا مطالعه فرمایند. ۲ - فضائل صدقات، که درباره این کتاب در روزهای آخر عمر خیلی تأکید و اصرار می‌فرمودند و مکرراً یادآوری می‌کردند که حتماً فضائل صدقات تألیف گردد، حتی باری به صف نماز ایستاده بودیم میان اقامه و تکبیر اندکی از صف جلو آمده خطاب به بنده فرمودند نگاه کن تألیف فضائل صدقات را فراموش نکنی؟ باگذشت زمان به فضل خداوند متعال دو حصّهٔ کتاب تألیف و انتشار یافت، البته دوستانی نیز مرتّب تأکید می‌کردند، لکن نااهل بودنم مرا بازمی‌داشت با اینکه اصرار و تأکید عموی گرامی خودم را بیاد داشتم هی قصد آغاز و سپس کوتاهی هی اراده آغاز و هجوم گرفتاریها مرا بازمی‌داشت. برادر عزیز پسرعمویم مولنا الحاج

الحافظ محمد یوسف که یقیناً مصداق الْولد سرّ لابیه می‌باشد در امر دعوت و تبلیغ هوبهو و قدم بر قدم پدر بزرگوار بوده او جذب انوار ربّانی و وارث حقّانی و حقیقی پدر هستند از مدت دو سال بود که عشق وافری نسبت به اشاعه دعوت و تبلیغ را در حجاز مقدّس پیدا کرده‌اند و در واقع این نقش عزم قاطع عموی گرامی‌ام می‌باشد معظم‌له نیز خیلی آرزوی داشتند تا امر دعوت و ارشاد در سرزمین حجاز اشاعه پیدا کند، بنابراین معظم‌له دوبار به سرزمین مقدس حجاز سفر اختیار فرمودند که مولنا الْحاج سید ابوالحسن علی میان ندوی در زندگی‌نامه ایشان مختصراً ذکر کرده‌اند، آری واقعیّت این است که سرزمین عرب برگزیده برای این کار است نخست دعوت از آنجا آغاز گردید و رفته‌رفته در تمام دنیا منتشر شد... امروز اگر داعیان دین بهمان طریق و طرز سلف صالح رفتار کنند دین به تمام دنیا بدرخشیدن خواهد گرفت...

سالیانه هزاران حجاج به سرزمین نور حجاز مشرف می‌شوند، امّا جای تأسف است از جائیکه بدون معلومات دینی می‌روند از آداب، مسائل، احکام خبری ندارند خالی برمی‌گردند...

معظم‌له از مدت دو سال بود اصرار می‌ورزیدند تا رساله‌ای درباره فضائل و آداب حج و زیارت و در اختیار حجاج گذاشته شود، تا با مطالعه آن از احادیث وارده، برکات و آداب باخبر بوده با شوق و ذوق واقعی بروند و چنانکه از شأن حاجی بیت‌الله‌الحرام می‌باشد بهره برده و دست پر برگردند، آری حاجی دانا که دارای شوق، عشق و ذوق وافر شده، بهتر می‌تواند در ادای احکام و زیارات درست بپردازد و امید می‌رود روزبروز تعداد این نوع حجّاج بیشتر شود، با خواندن این کتاب حاجی در درون خود یک نوع جذبه دینی احساس کرده درد دین را حتی به مردم مقیم و افسرده اهل عرب می‌تواند بازگو کنند تا آنان نیز در این راه بحرکت درآمده سرمایه‌ای برای دین گردند...

عزیز محترم از مدت دو سال بود اصرار می‌ورزید امّا از جانب حقیر وعده و مرتّب کوتاهی می‌شد، لیکن چون خداوند خواسته باشد کاری انجام شود اسبابش را از غیب فراهم می‌سازد، چنانچه بعد از عموی گرامی‌ام هر سال رمضان‌المبارک بندهٔ عاجز مجبور به اقامت در محلهٔ نظام‌الدّین، دهلی گردیدم. عادتاً ۲۹ شعبان وارد دهلی شده و ۲ شوال برمی‌گشتم، امّا امسال بنابر هجوم مشاغل مجبور شدم ماه شوال را در آنجا

بمانم لذا عزیزم جهت اصرار بر تألیف این کتاب فرصت بیشتری پیدا کردند، از طرفی چون ماه عید آمد عاشقان دیار محبوب به فکر افتادند که بهر صورت شده مشرف شوند چنانچه این فکر مرا نیز تحت تأثیر قرار داد، زیرا به فضل پروردگار هر سال از نصف شوال تا نصف ذیحجه این شرف نصیب می‌گردید، هراندازه موسم حج نزدیک‌تر می‌شد بی‌اختیار انسان را به فکر بیشتر وامی‌داشت اینکه حجاج وارد دیار محبوب شدند، آه حجاج در حال احرام بستن‌اند، آری حجاج دارند طواف بیت می‌کنند، لذا توکل بر ذات خداوند روز چهارشنبه سوّم شوال تحریر این رساله آغاز گردید که مشتمل است بر ده فصل و یک خاتمه که در آن چند حدیث را ترجمه کرده مضامین متفرقه‌ای را به رشته تحریر در خواهم آورد: فصل ۱ ترغیب برای حج، ۲ - وعید بر کسانی که حج نروند، ۳ - تحمّل مشقّت در حج، ۴ - حقیقت حج، ۵ - آداب حج، ۶ - آداب مکّه مکرّمه ۷ - عمره، ۸ - زیارت روضة المطّهرة و حضور در مسجد شریف نبوی ﷺ، ۹ - آداب زیارت، ۱۰ - فضائل و آداب مدینه طیّبه، خاتمه در بیان تفصیلی حج رسول خدا ﷺ و جانثاران...

ترغیب برای حج

دربارهٔ فضائل و احکام حج آیه‌های در قرآن کریم آمده و احادیث زیادی در این موضوع روایت شده است. ما بطور مثال تعدادی از آنرا در این رساله ذکر خواهیم کرد، البته سعی ما بر این است که این رساله مختصر باشد زیرا امروز علاقه چندانی برای مطالعه دینیات در مردم مشاهده نمی‌شود و نه فرصتی دارند، البته پول دارند بخاطر اینکه رساله طولانی شده و از قیمت بالاتری برخوردار گردد ابائی ندارند. امّا کاهلی و عدم عشق به مفاهیم دینی سست‌شان گردانده، متأسفانه برای سینما و مخارج هنگفت عروسیها پول دارند حتی افراد نسبتاً فقیر با دست و دل باز خرج می‌کنند ولی در خواندن کتاب سستی و یا عدم فرصت مانع شده است... نخست آیات و بعد از آن احادیث را ذکر خواهم کرد...

«آیات»

۱ - واذّن فی الناس بالحج یا توک رجالاً و علی کل ضامرٍ یأتین من کل فج عمیق * یشهدوا منا فع لهم (حج / ۲۷) برای آمدن به حج مردم را دعوت کن آنگاه پیاده و بر شتران لاغر از راههای دور خواهند رسید، تا حضور پیدا کنند بر جاهای سودمند خویش.

توضیح) درباره نخستین بناء کعبةالله علماء اختلاف نظر دارند، نخست آدم علیه‌السلام بنا نموده یا ملائکه، بعضی قائلند نخستین بار زمین از همینجا شکل گرفته و پهناور شده است بصورت بلبله‌ای از آب بالا آمده و کم کم باینصورت درآمده...

در زمان سیدنا نوح مکان کعبه برداشته شد سپس توسط سیدنا ابراهیم علیه‌السلام و اسمٰعیل بناگردید، قرآن می‌گوید اذیرفع ابراهیم القواعد من البیت و اسمعیل (بقره / ۱۲۷) چون

جای آن برای ابراهیم مشخص گردید ابراهیم و اسمٰعیل دیوارهای بیت را بالا بردند. . .

در روایتی آمده است چون خداوند آدم را به زمین فرود آورد بیت را همراه ایشان فرود آورد، و فرمود ای آدم همراه تو بیت خودم را نیز فرو فرستادم، همانطوری که دور عرش طواف می‌دادند بیت مرا در روی زمین طواف دهید، و نمازها را روی به آن بخوانید، همانطوری که روی به عرش می‌خواندید، هنگام طوفان نوح بیت برداشته شد انبیاء بعد از نوع همان بقعه (جای زمین) بیت را طواف می‌کردند، زمان ابراهیم ﷺ رسید خداوند دستور فرمود تا بیت را بار دیگر بناء نهد، (ترغیب).

در روایتی آمده است که چون ابراهیم از بناء بیت فارغ شد به درگاه خداوند عرض کرد الهی بناء آن به اتمام رسید، خداوند دستور فرمود مردم را برای حج دعوت کن که ذکر آن در آیه‌ای که گذشت آمده است. حضرت ابراهیم عرض کرد الهی صدای من به کجا رسد، خداوند فرمود از تو اعلان. رساندن از ما، حضرت ابراهیم ﷺ اعلام کرد و همهٔ موجودات در زمین و آسمان اعلام او را شنیدند و این مسئله امروزه حل شده است انسانها بوسیلهٔ سیم، مهواره، تار، تلفن، از هر گوشهٔ جهان صدای یکدیگر را می‌شنوند. آری ذاتی که این همه وسائل را در فکر انسان گنجانده است او می‌تواند بوسیله باد صدا را به ارض و سماء برساند (الله نیازی بوسیله ندارد. او بر همهٔ چیزها قدرت دارد).

در روایتی آمده است اعلان ابراهیم را همهٔ مخلوقات شنیده، بعضیها لبیک گفتند (حاضرم) و همان لبیکٔ امروز به زبان حجاج هنگام احرام جاری می‌گردد، آری کسانی که در علم خداوند حج در قسمتشان بود لبیک گفتند. . . (اتحاف)

در روایتی آمده است بعضی‌ها که خلق شده بودند و آنانکه در عالم ارواح بودند همه شنیده و خوش‌قسمتان لبیک گفتند و هرکس لبیک گفته حتماً به حج می‌رود. . . در روایتی آمده است هرکس یکبار لبیک گفت او یک بار حج می‌رود و هرکس دو بار گفت دوبار، و هرکس هر اندازه لبیک گفت همان اندازه به تعداد لبیک گفتنش حج می‌رود. . . (در منثور)

چقدر خوش‌قسمت‌اند ارواحی که آن موقع پشت سرهم لبیک گفتند، بارها حج نصیبشان می‌شود.

۲ـ الحج اشهر معلومات فمن فرض فیهنّ الحج فلا رفث و لافسوق و لاجدال

فی الحج و ماتفعلوا من خیر یعلمه الله بقره ۱۹۷ مدت و موسم حج چند ماهی است معلوم (شوال ذیقعده ذیحجه) هرکس در آن مدت احرام بست و حج را بر خود لازم قرار داد، پس در حج نه فحّاشی، و نه عدول از احکام و نه جنگ و جدال هیچکدام نخواهد بود، بلکه پیوسته در کارهای نیک مشغول باشد. و هر آنچه را که شما عمل می‌کنید حق تعالی خبر دارد، و شما را مطابق با آن مجازات می‌فرماید. البته افعال نیک که در ایام حج انجام می‌شود نزد خداوند اجر فراوان دارد.

توضیح) حرف فحش دو نوع می‌باشد. یکی همان چیزهائی که برای همیشه ناجائز بوده و گناهند، این نوع فحاشی در حج سنگین‌تر می‌شود. دوّم آنکه اوّل جائزاند مثلاً سخن با همسر، بی‌حجابی همسر پیش شوهر و غیره که در زمان حج ممنوع می‌گردد، همچنانکه عدول از احکام الهی نیز دو نوع می‌باشد: اول همان که از ابتداء حرام بوده مثل سائر گناهانی که از نظر شرع مقدس حرام هستند. البته در موسم حج سخت‌تر می‌شوند، دوّم آنهائی که اول جائز بوده. بخاطر احرام حج ممنوع و حرام قرار گرفته‌اند مثلاً استفاده از خوشبو و غیره همچنان دعوا و جدال بعضی آن است که از اوّل جائز نبوده‌اند، اینک در موسم حج شدیدتر می‌گردد و بعضی هستند که بخاطر احرام حج ممنوع می‌گردد. . . (بیان القرآن)

عموماً در عدول از احکام خداوند جدال نیز داخل است. اما از جائی که در سفر میان همراهان بیشتر نگرانی رخ می‌دهد آنرا بطور مستقل بیان داشتند، و آینده در نخستین حدیث نیز خواهد آمد.

۳ـ الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دیناً مائده ۳ امروز دین شما را برایتان تکمیل نمودم، و نعمتم را بر شما تمام کردم و اسلام را برای شما پسندیدم.

توضیح) از اهم فضائل حج این است آیه‌ای که مژده تکمیل دین در آن بیان شده است در موقع حج نازل گردیده است، امام غزالی رحمه‌الله می‌گوید حج از ارکان اساسی اسلام است و جمیع ارکان دین بوسیله حج تکمیل یافته است، و نیز بوسیله آن دین اسلام تکمیل شده است. . .

در بعضی روایات آمده است که عده‌ای از علماء یهود از سیدنا عمر رضی‌الله‌عنه پرسیدند آیه‌ای را که شما در قرآن کریم تلاوت می‌کنید اگر بر ما نازل شده بود ما هر سال جشن و

سالگرد آنرا می‌گرفتیم، حضرت عمر ﷛ فرمود کدام آیه را می‌گوئید؟ گفتند آیهٔ الیوم المکت لکم دینکم، سیدنا عمر ﷛ فرمودند من می‌دانم این آیه مبارکه در چه روزی و در چه مکانی نازل شده است. روز جمعه بود که نزد مسلمانان عید بشمار می‌رود و مکان عرفه که برای حجاج عید است بحمدالله ما دو عید داشتیم که هر سال برپا می‌شوند. آری این آیهٔ روز جمعه بعد از عصر هنگامی که رسول خدا ﷺ در سرزمین عرفات روز عرفه بالای شتر خود سوار بود نازل گردید، در واقع این مژده بزرگی است که در این آیهٔ شریفه بیان شده است. . . در روایتی آمده است که بعد از این آیه دربارهٔ حلال و حرام حکمی نازل نگردیده است. . . در موسم حج و احرام وقتی که حاجی تصور کند که دین اسلام بوسیله همین عمل حج تکمیل شده است چه اندازه شوق، عشق و علاقه در قلب او موج می‌زند. آری در حج است که انسانهای صالح به نهایت عشق دست‌رسی می‌یابند...

هنگام نزول این آیه شتر رسول خدا ﷺ بخاطر سنگینی وحی به زمین نشست، آری در موقع نزول وحی سنگینی فوق‌العاده‌ای بر رسول خدا ﷺ طاری می‌شد، سیده عایشه ﷦ می‌فرماید اگر در موقع وحی حضرت ﷺ بر شتر سوار بودند بلافاصله شتر به زمین نشسته و گردن بر روی زمین دراز می‌نمود تا آنکه وحی تمام می‌شد اصلاً حرکت نمی‌کرد. . . حضرت عبدالله‌بن عمر ﷛ از رسول خدا ﷺ نقل می‌کند که حضرت فرمودند در حالت نزول وحی بر من حالتی چون نزع و جان‌کندن طاری می‌شود. . . (در منثور)

زیدبن ثابت ﷛ می‌گوید چون آیهٔ مبارکه، لایستوی القاعدون من المؤمنین غیر اولی الضرر نساء ۹۵ نازل گردید، من در کنار رسول خدا ﷺ نشسته بودم حالت وحی بر رسول خدا ﷺ جاری شد در حالی که آن حضرت ﷺ بر پای من تکیه زده بود چنان سنگین گردید که به خیالم پایم دارد می‌شکنند. (در منثور)

آری این بود عظمت و هیبت کلام رب‌العٰلمین، که اینک ما آنرا سرسری و با بی‌پروائی تلاوت می‌کنیم، گوئی کلام شخصی است معمولی. . .

* * *

سالگرد آنرا می‌گرفتیم، حضرت عمر رضی الله عنه فرمود کدام آیه را می‌گوئید؟ گفتند آیهٔ الیوم المکت لکم دینکم، سیدنا عمر رضی الله عنه فرمودند من می‌دانم این آیه مبارکه در چه روزی و در چه مکانی نازل شده است. روز جمعه بود که نزد مسلمانان عید بشمار می‌رود و مکان عرفه که برای حجاج عید است بحمدالله ما دو عید داشتیم که هر سال برپا می‌شوند. آری این آیهٔ روز جمعه بعد از عصر هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم در سرزمین عرفات روز عرفه بالای شتر خود سوار بود نازل گردید، در واقع این مژده بزرگی است که در این آیهٔ شریفه بیان شده است. . . در روایتی آمده است که بعد از این آیه دربارهٔ حلال و حرام حکمی نازل نگردیده است. . . در موسم حج و احرام وقتی که حاجی تصور کند که دین اسلام بوسیله همین عمل حج تکمیل شده است چه اندازه شوق، عشق و علاقه در قلب او موج می‌زند. آری در حج است که انسانهای صالح به نهایت عشق دست‌رسی می‌یابند...

هنگام نزول این آیه شتر رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم بخاطر سنگینی وحی به زمین نشست، آری در موقع نزول وحی سنگینی فوق‌العاده‌ای بر رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم طاری می‌شد، سیده عایشه رضی الله عنها می‌فرماید اگر در موقع وحی حضرت صلی الله علیه وآله وسلم بر شتر سوار بودند بلافاصله شتر به زمین نشسته و گردن بر روی زمین دراز می‌نمود تا آنکه وحی تمام می‌شد اصلاً حرکت نمی‌کرد. . . حضرت عبدالله‌بن عمر رضی الله عنه از رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم نقل می‌کند که حضرت فرمودند در حالت نزول وحی بر من حالتی چون نزع و جان‌کندن طاری می‌شود. . . (در منثور)

زیدبن ثابت رضی الله عنه می‌گوید چون آیهٔ مبارکه، لایستوی القاعدون من المؤمنین غیر اولی الضرر $\frac{\text{نساء}}{۹۵}$ نازل گردید، من در کنار رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم نشسته بودم حالت وحی بر رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم جاری شد در حالی که آن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم بر پای من تکیه زده بود چنان سنگین گردید که به خیالم پایم دارد می‌شکند. (در منثور)

آری این بود عظمت و هیبت کلام رب‌العٰلمین، که اینک ما آنرا سرسری و با بی‌پروائی تلاوت می‌کنیم، گوئی کلام شخصی است معمولی. . .

* * *

«احادیث»

۱ ـ عن ابی هریرة رضی الله عنه قال قال رسول‌الله صلی الله علیه و آله و سلم من حجّ لله فلم یرفث و لم یفسق رجع کیوم ولـدتـه امّه. (متفق علیه، مشکوة) رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود کسی که حج کرد و در آن هیچگونه فحش و فسق انجام نداد او از گناهان پاک مـی‌گردد چـنانکه روز ولادت از مادر پاک بود...

توضیح) طفل هنگام ولادت گناهی ندارد، حاجی راستینی کـه مـحض رضـای حق‌تعالی حج کرده است از گناهان مثل نوزاد پاک می‌گردد، در بحث فضائل نماز بحث شده است و در همانجا توضیح داده شده که مراد از گناهان همانا گناهان صغیره می‌باشد، (قاله العلماء) امّا از جائی که فضیلت حج به کثرت در روایات آمده است نزد بعضی از علماء مراد گناهان صغیر و کبیره همه می‌باشد. در این حدیث سه مطلب بیان شده است:

۱ ـ حج فقط برای رضاجوئی خداوند باشد یعنی هیچگونه غرض دنیوی و غیره در آن نباشد، بسیاری از مردم جهت شهرت‌طلبی، و بسیاری برای عزتمند بودن، حج می‌کنند و تمامی خرج و زحمات خود را بر باد می‌کنند، اگر چه حج فرضی از گردنشان ادا می‌شود امّا در صورت اخلاص کامل هم فرض ادا شده و هم ثواب فراوان حاصل می‌شود... پس این نوع فضائل و محسنات را نباید بخاطر غرضی دنیوی و ناچیز ازدست داد... زیرا اگر انسان چنین کند در ضرر و زیان بزرگی قرار گرفته است.

در روایتی آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده‌اند در قرب قیامت امیران امّت من فقط جهت سیر و تفریح به حج می‌روند گویا از جمله تفریحات لندن و پـاریس و غیره می‌باشد، و این دفعه بجای اروپا و امریکا حجاز را انتخاب کـرده است، و افـراد متوسط و میانه امّت جهت تجارت و کاسبی به حج می‌روند، و علماء امّت مـن بـرای شهرت‌طلبی و ریاء به حج می‌روند که مشهور شوند. فلان عالَم پنج بار، ده بار و غیره به حج رفته است، غرباء و فقراء امّت من جهتِ گدایی به حج می‌روند... (کنز العمال) علماء گفته‌اند کسی که بخاطر استفاده مالی به حج بـدل مـی‌رود مشـمول وعـید بـالا می‌باشد، یعنی شایسته نیست تا بوسیله حج منفعت‌اندوزی کند عنقریب ایـن بـحث در حدیث ۱۵ می‌آید...

در روایتی آمده است سلاطین و پادشاهان برای تفریح به حج می‌روند، اغـنیاء

برای تجارت، فقراء برای گدائی، علماء برای شهرت، (اتحاف) در این دو حدیث تعارضی وجود ندارد، در حدیث اوّلی غنی گفته شده و مراد اغنیاء سطح بالا هستند که در حدیث دوّمی به سلاطین تعبیر شده است، و غنی در این حدیث دوّمی مراد اغنیائی هستند که پادشاه و سلاطین نباشند، یعنی طبقه میانه و متوسط مرادند. . .

در روایتی آمده است روزی عمربن خطاب رضی‌الله‌عنه در میان صفا و مروة نشسته بود گروهی بحضور معظم‌له رضی‌الله‌عنه رسید و از شتران خود پیاده شده به طواف بیت شتافتند و سپس میان صفا و مروه به سعی پرداختند، حضرت عمر پرسید شما چه کسانی هستید؟ گفتند ما اهل عراق هستیم. حضرت عمر رضی‌الله‌عنه پرسید اینجا چطور آمدید؟ عرض کردند برای حج آمده‌ایم. حضرت عمر رضی‌الله‌عنه فرمودند غرضی دیگر نداشته‌اید، مثلاً میراثی، مطالبه‌ای، تجارتی و غیره؟ عرض کردند نه غرضی جز حج نداشته‌ایم. حضرت عمر رضی‌الله‌عنه فرمودند پس اعمال را از نو آغاز کنید، زیرا گناهانی که قبلاً کرده‌اید همه معاف گردید... در حدیث دوّمی که گذشت آمده، رفت (فحش) نباشد، قرآن کریم نیز فرموده (فلارفث) حتی حاجی اجازه ندارد در جلوی همسر خود حرف شهوت بگوید، یا با چشم یا دست اشاره کند، زیرا این همه مشمول نهی بوده و شهوات نفسانی را تحریک می‌نماید. . .

مطلب سوم حدیث، فسوق یعنی عدول از احکام نباشد، این مطلب نیز در قرآن مجید آمده است. علماء نوشته‌اند، این نیز کلمه‌ای است جامع که شامل اقسام و انواع نافرمانیها می‌شود. جنگ و جدال را نیز شامل می‌شود. زیرا این نیز عدول از احکام الهی می‌باشد. . .

نبی مکرّم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرموده‌اند حج عبادت است از کلام نیکو و اطعام طعام لذا سخن زشت و تیز گفتن منافی حج است. حاجی نباید چون صحرانشینان سخت و زشت‌گو باشد، لازم است با نرمی و تواضع پیش آید، علماء گفته‌اند اخلاق خوب این نیست که کسی را زحمت ندهد. خوش‌اخلاق کسی است که اذیّت و آزار دیگران را تحمل کند... سفر در لغت بمعنی ظهور است. علماء گفته‌اند سفر را سفر گفته‌اند بخاطر اینکه اخلاق انسان ظاهر و آشکار می‌شود. . .

سیدنا عمر رضی‌الله‌عنه از کسی پرسید آیا اخلاق فلانی را می‌شناسی؟ گفته آری، حضرت صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود در سفر همراه او بوده‌ای؟ گفت: نه. حضرت فرمود پس

نمی‌شناسی...

در روایتی آمده است کسی در حضور سیدنا عمر رضی الله عنه کسی را ستایش نمود، حضرت عمر رضی الله عنه پرسید در سفر با او بوده‌ای؟ گفت نه با او سفر نکرده‌ام. دوباره پرسید با او معامله داشته‌ای؟ گفت: نه. سپس حضرت عمر رضی الله عنه فرمود: پس تو از حال او هیچ نمی‌دانی... (اتحاف)

حق این است که اخلاق اصلی و شناخت کامل انسان در این امور آشکار می‌گردد، به ظاهر همه مردم خوب‌اند، امّا در سفر قدری رنجش و درگیری پیدا می‌شود قرآن کریم در حالت مشکل راهنمائی فرموده (لاجدال) بطور خصوصی یادآور شده است...

۲ـ عن ابی هریرة رضی الله عنه قال قال رسول‌الله صلی الله علیه وسلم الحج المبرور لیس له جزاءاً الا الجنة (متفق علیه) رسول‌الله صلی الله علیه وسلم فرمود حج مقبول پاداشی جز بهشت ندارد...

توضیح) رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرموده حج مبرور آنست که در آن هیچگونه معصیت انجام نگیرد بنابراین اکثراً علماء معنی آنرا حج مقبول کرده‌اند. و هرگاه کلیه احکام و آداب رعایت شود و حج بدرستی انجام گیرد طوری که در آن هیچگونه معصیتی انجام نشود حج انشاءالله مقبول می‌گردد...

در حدیث حضرت جابر رحمه الله آمده است که حج مقبول آن است که به مردم طعام بدهد و با آنان با نرمی گفتگو کند... و در روایتی آمده که حج مقبول آن است که به مردم طعام داده شود و به کثرت به مردم سلام گوید... (ترغیب)

در روایتی آمده چون رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمود حج مقبول حجّی است که پاداشی جز بهشت ندارد، صحابه رضی الله عنهم عرض کردند یا رسول‌الله حج مقبول کدام است؟ حضرت صلی الله علیه وسلم فرمود به کثرت طعام و سلام دادن (کنز)

۳ـ عن عایشه رضی الله عنها ان رسول‌الله صلی الله علیه وسلم قال ما من یوم اکثر من ان یعُتق‌الله فیه عبداً من‌النار من یوم عرفة و انّه لیدنوا ثم یباهی بهم الملائکة فیقول ما اراد هولآء... (مسلم)

رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرمود روزی بزرگتر از عرفه نیست که خداوند در آن بندگانی را از جهنّم آزاد کند و بی‌شک خدای تعالی نزدیک می‌شود و در جمع ملائکه مباهات فرموده می‌گوید این مردم در این سرزمین چه می‌خواهند.

توضیح) نزدیک آمدن حق‌تعالی یا نزول به آسمان دنیا چیزی است که خود او

می‌داند، زیرا او همه وقت نزدیک است او از بالا رفتن و پایین آمدن به معنی ظاهر پاک است، علماء این حالت را به رحمت خاصه تعبیر کرده‌اند. . . که در حدیث بطور ضمنی بیان شده است، و این مطلب در بسیاری از احادیث آمده است. . .

در روایتی آمده است که چون روز عرفه رسد خدای تعالی بر پایین‌ترین آسمان آید و با فرشته‌ها مباهات فرمود، می‌گوید به بندگانم نگاه کنید که اینک به پیشگاه من آمده‌اند، مویهای پراکنده، لباس و بدن پرگرد و غبار، لبیک‌گویان حاضر شده‌اند و از راه دور سفر کرده به اینجا رسیده‌اند، اینک گواه باشید که من همه را عفو کردم، ملائکه عرض می‌کنند ای الله فلانی صاحب معصیت است، فلان مرد فلان زن و و و . . . خدای تعالی می‌فرماید من همه را مغفرت کرده و بخشیدم. . . رسول اکرم ﷺ می‌فرمایند هیچ روزی نیست که در آن خدای تعالی باندازهٔ عرفه مردم را از جهنّم آزاد کند، (مشکوة) در روایتی آمده است حق‌تعالی می‌فرماید بندگانم با موهای پراکنده به درگاه من آمده‌اند و امیدوار رحمت و مغفرت من هستند. . . خطاب به حاضرین در عرفات ارشاد می‌فرماید اگر گناهان شما به اندازهٔ ذرات زمین و قطرات باران باشند و مساوی با تمام درختان دنیا باشند من همهٔ آنرا بخشیدم حال بخشوده به خانه‌هایتان برگردید. (کنز)

در روایتی آمده خداوند به ملائکه بطور مباهات می‌فرماید نگاه کنید بسوی این مردم پیامبرم را فرستادم و ایشان به او ایمان آوردند،من بسوی‌شان کتاب نازل کردم ایشان ایمان آوردند پس شما گواه باشید که من همهٔ گناهان ایشان را بخشیدم. . . (کنز) الغرض در بسیاری از روایات همین مطلب تکرار شده است. بنابراین علماء گفته‌اند حج مخصوص عفو از گناهان صغیره نیست بلکه گناهان کبیره نیز بخشوده می‌شوند. . . این اختیار و توانائی از آن حق‌تعالی است که بسیاری از کارهای نافرمانی راگناه قرار داده و کارهای فرمانبری را طاعت. اگر او خواسته باشد یک دفعه کسی را مورد عفو قرار دهد نه از فضلش بعید است و نه دیگری غیر از ذات پاک او اختیاری دارد، عفو و بخشش خدای تعالی معاذالله در اجاره کسی نیست که بدهد یا مانع شود. . .

قاضی عیاض رحمه‌الله در کتاب الشفاء حکایتی آورده است که روزی گروهی حضور سعدون خولانی آمدند و گفتند قبیله کتامه کسی را به قتل رسانده سپس خواسته‌اند او را در آتش بسوزانند و یک شب تمام بر جنازه‌اش آتش کردند قطعاً آتش اثری نکرد، جنازه به همان صورت اوّلی صحیح و سالم باقی مانده است. سعدون گفت شاید این

شهید سه حج کرده است؟ مردم گفتند آری او سه حج کرده است. سعدون گفت به من حدیث رسیده است که هرکس یک حج کرده باشد او فرض از گردن خود اداکرده است، حج دوّمی را به خدای تعالی قرض داده است، بر سوّمی خدای تعالی پوست بدن او را بر آتش حرام کرده است...

۴ـ عن طلحةبن عبیدالله‌بن کزیر رحمه الله ان رسول‌الله صلی الله علیه وسلم قال ما رأی الشیطان یوماً هو فیه اصغر و لاادحر و لااحقر و لااغیظ منه فی یوم عرفه و ماذاک الا لمایری من تنزل الرحمة و تجاوزالله عن الذنوب العظام الا مارؤئ یوم بدر... رواه مالک مرسلاً (مشکوة)

رسول مکرّم صلی الله علیه وسلم فرمود علاوه از روز بدر هیچ روزی شیطان ذلیل حقیر و پریشان و روسیاه‌تر نمی‌شود مثل روزی عرفه و این بخاطر نزول رحمت و مزید عفو و بخشش رب‌العٰلمین است...

توضیح) شیطان در روز عرفه هراندازه مطرود، و رنجیده، ذلیل و خشمناک باشد قرین قیاس است، زیرا شیطان نیز خیلی زحمت کشید تا توانست نفس را بر روح غلبه داده از کسی کارگناه بگیرد، و با یک توجه رحمت از جانت حق‌تعالی در این روز همهٔ زحمت او بخاک کشیده شده و گناهان معاف گشته است، حال معلوم است چه اندازه غضب گرفته باشد... در روایتی آمده است که شیطان تمام لشکریان خود را دستور می‌دهد تا سر راه حجاج نشسته گمراهشان کنند... (کنز)

امام غزالی رحمه الله داستان یکی از صاحبان کشف را نقل کرده است که او روز عرفه شیطان را در صورتی بسیار ضعیف، عاجز و ذبون دید، حال که از چشمانش اشک می‌ریخت، کمرش دولا شده بود و خاک بر سر می‌ریخت و زاری می‌کرد، ولّی خدا از او پرسید چرا این همه گریه سر داده‌ای؟ گفت بخاطر اینکه حجاج آمده‌اند قصدی از اغراض دنیا از قبیل تجارت و غیره نداشته محض طلب رضامندی حق‌تعالی آمده‌اند حال می‌ترسم رحمت حق بجوش آمده و همه را معاف کند، و خداوند حجاج را بی‌مراد هرگز برنمی‌گرداند...

صاحبدل و ولی خدا می‌گوید باز از شیطان پرسیدم چرا لاغر و ذبون شده‌ای؟ گفت از صدای اسبهائی که هر موقع برای حج، عمره، و جهاد راه می‌روند، کاش این اسبها در راه لهو و لعب و حرام راه می‌رفتند، که باعث خوشی و غرور من می‌شد، پرس

چرا رنگت زرد شده است؟ گفت به سبب اینکه مردم دیگر انرا به نیکی آماده می‌کنند و به آنان در کار نیک یاری می‌رسانند، اگر در راه گناه کمک و راهنمایی می‌کردند سبب مسرّت و خوشحالی من می‌شد، پرسیدم چرا کمرت دولا شده؟ به سبب اینکه بندگان خدا همیشه در فکر خاتمه هستند و از خداوند مرتب تقاضای خاتمه خیر را دارند لذا هرگز نظر به اعمالشان مغرور نمی‌شوند. . .

۵ ـ عن ابن شماسته قال حضرنا عمروبن الْعاص و هونی سباقة الْموت فبکی طویلاً و قال فلّما جعل الله الاسلام فی قلبی اتیت النبی ﷺ فقلْت یا رسول‌الله ابسط یمینک و لابایعک فسبط یده فقبضت یدی فقال مالک یا عمرو قلت اردت ان اشترط قال تشترط ماذا قال ان یغفرلی قال اما علمت یا عمرو ان الاسلام یهدم ماکان قبله و ان الهجرة تهدم ماکان قبلها و ان الحج یهدم ماکان قبله رواه ابن خزیمة مختصراً رواه مسلم و غیر اطول، کذافی الترغیب)

ابن شماسته می‌گوید ما محضر عمروبن عاص رسیدیم حال که او در سکرات بود، او به گریه افتاد و ادامه داد و گفت چون خدای تعالی لطف فرمود نور اسلام را در دلم نهاد، به محضر رسول‌الله ﷺ رسیدم و عرض کردم یا رسول‌الله ﷺ دستت را دراز کن تا با تو بیعت کنم چون رسول خدا ﷺ دست مبارک را دراز فرمود من دستم بگرفتم، فرمود ای عمرو ترا چه شد؟ عرض کردم می‌خواهم شرط کنم. فرمود چه می‌خواهی شرط کنی؟ عرض کردم اینکه گناهانم بخشوده شود. فرمود آیا نمی‌دانی که اسلام، هجرت و حج هر آنچه قبل از آنها بوده نابود می‌گرداند. . .

توضیح) قطع نظر از اینکه گناهان کبیره بوده یا غیره همچنانکه در نخستین حدیث بیان شد اما قابل توجه می‌باشد اینکه حقوق دیگران از چه قرار خواهد بود، باید دانست که حق کسی معاف نمی‌شود. مثلاً مال کسی را، دزدیده است اینجا دو امر وجود دارد: ۱ ـ گناه عمل دزدی. ۲ ـ ضمانت مال مردم، اوّلی با اسلام، هجرت و حج معاف می‌شود، امّا دوّمی نه، مال دزدی شده را بعد از حج باید برگرداند.

در روایتی آمده است که روز عرفه هنگام شام، رسول اکرم ﷺ برای امت بسی دعا فرمودند که در آن خیلی گریه و زاری کرده و دعا را طولانی فرمودند وانگهی رحمت حق بجوش آمد و ارشاد فرمود کلیه دعاهای ترا قبول نمودم و همه گناهان بندگان را معاف کردم، بجز مظالمی که آنها ...

دعاء ادامه دادند، ای الله با قدرت کامله خودت می‌توانی مظلوم را از جانب خود راضی کرده وگناه ظالم را ببخشی، اما در عرفه این دعاء قبول نشد اما حبیب خدا دست از دعاء نکشیده ادامه دادند، تا آنکه صبح روز مزدلقه خداوند اعلام فرمودند که مظالم امت ترا نیز بخشیدم، آری وانگهی رسول خدا ﷺ تبسم‌کنان صحابه ﷺ را مژده دادند، البته این مطلب مورد سئوال بود که هنگام گریه و زاری از عادت مبارکه نبود اینکه تبسم کنند امّا چون سئوال شد فرمود که خداوند دعاء مرا دربارهٔ مظالم نیز قبول فرمودند، اینک شیطان را می‌بینم که بر سر خود خاک می‌ریزد و سبب تبسم من شد. . . (ترغیب)

٦ - عن سهل بن سعد قال قال رسول‌الله ﷺ ما من مسلم يلّبی الالبّی عن يمينه و شماله من حجرا و شجرا و مدر حتی تنقطع الارض من ههنا و ههنا - ترمزی - ابن‌ماجه - مشکوة

رسول‌اکرم ﷺ فرمود نیست مسلمانی که او لبیک گوید مگر اینکه در طرف راست و چپ او تمامی سنگ درخت و خاک لبیک گویند تا انتهاء زمین. . .

توضیح) در احادیث زیادی لبیک جز شعارهای حج قلمداد شده است. . . در روایتی آمده چون حضرت موسیٰ علیه‌السلام لبیک گفتند حق‌تعالی جواب می‌فرمودند. . . (کنز) فقط لبیک حاجی موجب ثواب نمی‌شود بلکه هر حرکت او جداگانه و مستقل موجب ثواب می‌شود. . .

در روایتی حضرت عبدالله‌بن عمر رضی الله عنه می‌فرمایند که من با رسول خدا ﷺ در مسجد منیٰ حضور داشتم که دو نفر یکی از قبیله انصار و دوّمی از قبیله بنی ثقیف آمدند و سلام عرض کردند، سپس گفتند ما برای یک سری سئوالات آمده‌ایم. حضرت ﷺ فرمودند چون سئوال کنید من جواب دهم. عرض کردند یا رسول‌الله شما بفرمائید ما گوش کنیم؟ حضرت ﷺ فرمودند شما دربارهٔ حج می‌خواهید سئوال کنید؟ زیرا شما برای حج از خانه‌هایتان آمده‌اید؟ می‌خواهید بپرسید حج چه ثواب دارد؟ یا بعد از طواف دو رکعت چه اجری دارد؟ سعی میان صفا و مروه چه فائده‌ای دارد؟ ماندن در عرفات، رمی جمار، قربانی، طواف زیارت همه اینها چه فائده‌ای دارد؟ سپس گفتند قسم بذاتی که ترا به حق فرستاده است در ذهن‌مان همین سئوالات بودند. حضرت ﷺ فرمودند شما به نیّت حج از خانه بیرون آمدید. بدانید سواری حاجی هر قدمی که بر زمین می‌زند یا از آن بلند می‌کند، در اعمالنامه او اجر یک نیکی نوشته می‌شود، و یک

گناه از گناهانش معاف می‌گردد، دو رکعت طواف بمنزلهٔ آزادی غلام می‌باشد، و سعی بمنزله آزادی هفتاد غلام است، و هنگامی که حجاج به عرفات گرد آیند خدای تعالی به آسمان دنیا نزول جلال فرموده بر فرشتگان فخر و مباهات کند، ببینید بندگانم از دور دور دنیا پراکنده‌مو و غبارآلود، سربرهنه پا برهنه برای دریافت رحمتان من گرد آمده‌اندسپس به اهل عرفات اعلان می‌فرماید که اگر گناهانی بحد ذرّات جهان باشد یا برابر قطرات باران، یا مساوی کفّهای دریا من همه آنها را معاف کردم، ای بندگان من چون از عرفات برگردید بدانید که همهٔ گناهانتان را بخشوده‌ام. همچنین برای کسی که شما سفارش کنید او را نیز بخشیده‌ام، . . . بر هر سنگریزه رمی جمرات گناهی که مهلک است معاف می‌گردد، و امّا اجر قربانی، این برای شما ذخیره است نزد رب‌العٰلمین، و امّا تراشیدن سر پس هر موئی که تراشیده می‌شود یک نیکی نوشته، گناهی معاف می‌گردد و بعد از همه چون طواف زیارت انجام می‌دهد دیگر گناهی ندارد، فرشته‌ای در میان دو شانه‌اش دست گذاشته می‌گوید برو در آینده از سر نو عمل کن زیرا گناهان گذشته‌ات معاف گردیده (ترغیب) البته اذعان باید کرد که این درجات از آن حج مقبولند. . .

مشایخ بزرگوار نوشته‌اند لبیک در واقع جواب نداء ابراهیمی است که ذکر آن در قرآن کریم و اذّن فی النّاس بالحج آمده است، پس هر زمانی که فرمانروا دستور به حضور بدهد، حاجی لبیک‌گویان حاضر گردد، و در میان خوف و طمع قرار گرفته بترسد و لبیک گوید ممکن است بخاطر اعمال بد لبیک مردود گردد. . . مطرب‌بن عبدالله ﷺ در عرفات چنین دعا می‌کرد: خدایا این همه خلق تو مبادا به سبب نحوست من محروم گردد. . . بکر مزنی ﷺ می‌گوید صاحبدلی را در عرفات دیدم گفت فکر می‌کنم اگر من در میان‌شان نبودم همه بخشوده می‌شدند. . . (اتحاف)

حضرت زین‌العابدین علی‌بن الحسین ﷺ چون می‌خواست احرام بسته لبیک گوید رنگش زرد گردید و لرزه بر بدنش طاری گشت و لب از لبیک باز می‌ماند، بعرض می‌رسید شما بعد از لباس احرام لبیک نفرمودید؟ جواب می‌داد مرا اندیشهٔ اینکه لبیک گویم مردود گردد، دامنگیر شد سپس به مشکل لب به لبیک می‌گشود و غشی می‌کرد و گاهی از شتر به زمین می‌افتاد و هرگاه می‌خواست لبیک گوید همین حالت پیش می‌آمد و در تمام مدت برگذاری حج تقریباً چنین حالتی داشتند. . .

احمد ﷺ می‌گوید من با سلیمان ﷺ به حج رفتم چون احرام بستیم او لبیک

نگفت و تا دو کیلومتر نیز لبیک نگفت سپس غشی کرد چون بهوش آمد گفت احمد خداوند به موسیٰ علیه السلام وحی فرستاد به ظالمان بگو مرا کمتر یاد کنند، زیرا برحسب قاعدهٔ (اذکرونی اذکرکم) وقتی ظالم مرا یاد می‌کند من او را یاد می‌کنم اما چه یاد که من ظالم را با لعنت یاد می‌کنم، سپس فرمود ای احمد به من گفته شده کسی که همراه باکارهای بد حج می‌کند و لبیک می‌گوید خداوند در جواب می‌فرماید لالبیک تا زمانی که از کارهای بد توبه نکنی لبیک تو قبول نیست (اتحاف)

در ترمزی شریف از حضرت شدادبن اوس رضی الله عنه روایت آمده که عاقل کسی است که بر نفس خود محاسبه کند و برای آخرت عمل کند، عاجز و بی‌وقوف کسی است که مطابق با میل نفس عمل می‌کند و بر آن آرزوها دارد. . . (نزهة) البته با این همه می‌باید امیدوار فضل پروردگار بود، زیرا فضل و کرم او از گناهان ما به مراتب بیشتر است. . . در ادعیهٔ رسول مکرّم این الفاظ مبارکه آمده است ای الله مغفرت تو وسیع تر از گناهان من است و رحمتت بیش از اعمال نیک من. امّیدوارکننده است، . . .

صاحبدلی هفتاد سال در مکّه مکرّمه سکونت گزید و هرسال حج و عمره انجام می‌داد امّا چون می‌خواست در احرام شود لبیک می‌گفت و مرتب از غیب صدا می‌آمد لالبیک باری نوجوانی پهلوی او قرار داشت چون لبیک گفت صدا رسید لالبیک نوجوان نیز بشنید و گفت عموجان برای شما لالبیک آمد. گفت فرزندم تو نیز بشنیدی؟ گفت آری من نیز شنیدم، صاحبدل پیرمرد بگریست و گفت فرزندم من همین صدا را از هفتاد سال است می‌شنوم، نوجوان گفت پس چرا این همه زحمت می‌کشی؟ گفت فرزندم اگر اینجا نباشم، کجا بروم؟ آیا دیگر در امیدی سراغ داری که به آنجا روم؟ دری بجز درگاه حق‌تعالی وجود ندارد، کار من تلاش است او اختیار دارد بپذیرد یا نپذیرد. . . برای غلام شایسته نیست از در آقا بگریزد. . . این بگفت و صاحبدل به گریه افتاد و ادامه داد تا اشکش به سینه‌اش سرازیر گردید. دوباره لبیک گفت صدا آمد که لبیک ترا شنیدم و پذیرفتم. آری رفتار ما باکسی که نسبت بما حسن ظنّ داشته باشد چنین است، بخلاف کسی که از خواهشات خود پیروی کرده و بر ما امیدهای بیهوده بربندد، جوان چون این جواب بشنید پرسید عموجان تو نیز این جواب بشنیدی؟ صاحبدل گفت آری من نیز شنیدم سپس بگریستن گرفت بحدی که فریادش به آسمان رسید. . .

ابوعبدالله جلاء رحمه الله می‌گوید من در ذوالحلیفة بودم جوانی را در حال احرام بستن

دیدم که بار بار می‌گفت ای پروردگار من می‌ترسم لبیک گویم و تو لالبیک گوئی. بار بار این جمله را تکرار می‌کرد و بالاخره با صدای بلند لبیک الهم لبیک گفت و جان داد... (مسامرات)

علی‌بن موفق ﷺ می‌گوید در شب عرفه در مسجد منی قدری خوابیدم و بخواب دیدم دو ملک در لباس سبز از آسمان فرود آمدند یکی از دیگری پرسید تعداد حجاج امسال چه بوده است؟ دوّمی گفت نمی‌دانم. اوّلی گفت ششصد هزار انسان بوده‌اند، دوباره پرسید می‌دانی از چند نفر حج قبول شده است؟ گفت نمی‌دانم. او خود جواب داد فقط حج شش نفر قبول شده است، بعد از آن هر دو ملک به آسمان صعود کردند، این‌موفق ﷺ می‌گوید، نگران از خواب پریدم غمّ و اندوه بر وجودم فشار می‌آورد، و فکر می‌کردم از عده شش نفر کجا من بوده باشم. بعد از عرفات این جمع بزرگ را می‌دیدم و تأسف می‌خوردم که از میان همه این جمعیّت فقط حج شش نفر قبول شده است، آری سخت پریشان بودم و در مزدلفه با همین فکر و اندوه بخواب رفتم. در خواب دوباره همان دو ملک را دیدم که با هم سؤال رد و بدل می‌کردند، سپس فرشته گفت می‌دانی خداوند دربارهٔ حجاج چه دستوری داده‌اند؟ دوّمی گفت: نمی‌دانم. اوّلی گفت دستور فرموده‌اند که بطفیل هر یکی از آنانکه حجّشان قبول شده، حج صد هزار نفر را قبول کردم. ابن‌موفق ﷺ می‌گوید چون چشمم باز شد خیلی خوشحال شدم که خوشحالیم حدی نداشت...

از همین بزرگوار داستان دیگری نقل شده است که می‌گوید باری به حج رفتم و با خودم فکر می‌کردم هستند کسانی که در این جمع حجّشان قبول نشده باشد لذا دعا کردم ای الله حج مرا به کسی که حجّش قبول نشده است عطا فرما و در کتاب روض‌الرّیاحین با الفاظ کم و بیش همین داستان بیان شده است و در آن آمده است که پنجاه بار بیشتر حج انجام شده‌ام را به روح رسول‌الله و خلفاء راشدین و والدین خودم بخشیدم و چون گریه و زاری اهل مزدلفه را شنیدم یکی حج مانده را به کسی که حجش قبول نشده بود بخشش نمودم. وانگهی در مزدلفه در خواب به زیارت حق تعالی مشرف شدم. حق تعالی فرمود ای علی تو در سخاوت از من پیشی می‌گیری؟ من خالق سخاوت هستم. من سخیانرا آفریدم. من از همه اسخیاء سخی‌تر هستم و از همه کریمان مهربانتر و از همه بخایشگران بخشنده‌تر من حج کسانی راکه مورد قبول نبوده اینک اعلان

می‌دارم که به برکت حج مقبولان قبول کردم (اتحاف) و در کتاب روض آمده من همه آنان را بخشیدم و همراهانشان را نیز بخشیدم و بسیاری از دوستان و همسایگان که آنان در حقشان سفارش کرده‌اند همه را بخشیدم...

از بوعبدالله جوهری رحمه‌الله داستانی از همین قبیل در پایان رساله بعنوان حکایت ۱۳ خواهد آمد...

و اینکه حضرت زین‌العابدین رحمه‌الله چرا لبیک نگفت، در حکایت ۱۷ خواهد آمد... از این داستانها چنین معلوم است که درگاه رب‌الْعٰلمین امیدوار باید بود که او بمحض کرم و فضل خود عفو خواهد نمود... در روایتی آمده است کسی که در سرزمین عرفات رسیده و تصوّر کند که من بدون بخشش رب‌الْعٰلمین برگشته‌ام بسیار عاصی و گنهکار می‌شود... (اتحاف)

۷ـ عن ابن موسیٰ رضی‌الله‌عنه رفعه الی النّبی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم قال الحاج یشفع فی اربع مأة من اهل بیت اوقال من اهل بیته و یخرج من ذنوبه کیوم ولدته امّه رواه بزّاز و فیه راولم یسم کذا فی التّرغیب.

رسول مکرّم فرمود حجاج دربارهٔ ۴۰۰ نفر از مردم یا از خانوادگی خود شفاعت خواهد کرد و حاجی بعد از حج از گناهانش همچون طفل نوزاد پاک می‌گردد...

توضیح) شفاعت حاجی دربارهٔ ۴۰۰ نفر قبول می‌شود مطلب این است که به کلّیه دعاهای او مژده قبولیت داده شده است... و نیز در بیشتر از ۴۰۰ نفر مانعی نیست زیرا در روایات آمده است که حاجی برای هرکس دعا کند قبول می‌گردد...

حضرت فضیل بن عیاض رحمه‌الله از مشاهیر بزرگان دین هستند. روزی در عرفات خطاب به همراهان گفت چه گمان می‌کنید اگر این همه مردم به درگاه شخصی سخی و کریم‌النّفس رفته تقاضای چیزی معمولی بکنند آیا او همه این جمع را دست‌خالی برمی‌گرداند؟ مردم گفتند نه، ابن عیاض گفت بخدا سوگند برآوردن آرزوهای همهٔ این مردم از جانب حق‌تعالی از بخشیدن یک نخود از جانب انسان سخی آسانتر است زیرا چنین بخششی از کرم رب‌الْعٰلمین چیزی نیست... (روض الریاحین)

۸ـ عن ابن عمر رضی‌الله‌عنهما قال قال رسول‌الله اذا لقیت الحاج سلم علیه و صافحه ومره ان یستغفرلک قبل ان یدخل بیته فانه مغفور له... رواه احمد (مشکوة)

رسول مکرّم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود چون به ملاقات حاجی نائل آمدی او را سلام گفته

مصافحه کن و قبل از اینکه او به منزلش برسد تقاضای دعاء کن زیرا بخاطر او بخشوده می‌شود. . .

توضیح) در روایتی آمده است که حاجی و مجاهد میهمان خداوندند هرچه بخواهند عطا می‌شود و هر دعائی بکنند قبول می‌شود، و در بسیاری از احادیث با تعبیرات مختلف همین مطلب بیان شده است. . .

در روایتی از رسول خدا ﷺ این دعاء نقل شده است، ای الله حاجی را ببخش و کسی را که حاجی برایش دعاء کند ببخش. . . در روایتی آمده که رسول خدا سه بار همین دعا را تکرار فرمود، که این خود دلیل بر اهمیّت موضوع می‌باشد. . . از حضرت عمر رضی الله عنه نقل شده است حاجی در درگاه خداوند بخشوده شده و حاجی تا بیستم ربیع‌الاوّل برای هرکس دعا کند او نیز بخشوده می‌شود. . .

سلف صالح عادت داشتند که با اهمیّت تمام حجاج را بدرقه کرده و هنگام برگشت به استقبال‌شان می‌رفتند و از آنان تقاضای دعا می‌کردند. . . (اتحاف)

۹ ـ عن بریدة رضی الله عنه قال قال رسول‌الله ﷺ النفقة فی الحج کاالنفقة فی سبیل‌الله سبعمائة ضعف کذا فی الترغیب. . . (رواه احمد و اسناده حسن. طبری. بیهقی) رسول اکرم ﷺ فرمود خرج در سفر حج همچون صدقه در راه خدا است یکی به هفتصد می‌باشد. . .

توضیح) در روایتی رسول اکرم ﷺ خطاب به عایشه رضی الله عنها فرمود ثوابت در عمر باندازه صدقات تو می‌باشد یعنی هراندازه خرج و صدقه‌ات بیشتر باشد ثوابت بیشتر خواهد بود. . . در روایتی آمده است خرج و صدقه کردن در راه حج صدقهٔ در راه خدا است امّا ثواب در حج هفتصد برابر است (کنز) در روایتی آمده است خرج یک درهم در حج با ۴ کرور برابر است با این حال اگر کسی در سفر بخیلی ورزد ضرر و خساره‌اش بی‌نهایت خواهد بود. . .

بزرگان دین درباره فراخدلی و خرج در سفر حج تأکید کرده‌اند و از بخیلی بشدّت برحذر داشته‌اند امام غزالی رحمه الله می‌گوید اسراف این است که کسی در خور و نوش خود زیاد روی کند و از چیزهای پرقیمت استفاده کند امّا خرج در راه خدا اصلاً اسراف نیست. . .

اساتذه من فرموده‌اند در خرید اشیاء ...

مصافحه کن و قبل از اینکه او به منزلش برسد تقاضای دعاء کن زیرا بخاطر او بخشوده می‌شود...

توضیح) در روایتی آمده است که حاجی و مجاهد میهمان خداوندند هرچه بخواهند عطا می‌شود و هر دعائی بکنند قبول می‌شود، و در بسیاری از احادیث با تعبیرات مختلف همین مطلب بیان شده است...

در روایتی از رسول خدا ﷺ این دعاء نقل شده است، ای الله حاجی را ببخش وکسی را که حاجی برایش دعاء کند ببخش... در روایتی آمده که رسول خدا سه بار همین دعا را تکرار فرمود، که این خود دلیل بر اهمیّت موضوع می‌باشد... از حضرت عمر رضی الله عنه نقل شده است حاجی در درگاه خداوند بخشوده شده و حاجی تا بیستم ربیع‌الاوّل برای هرکس دعاکند او نیز بخشوده می‌شود...

سلف صالح عادت داشتند که با اهمیّت تمام حجاج را بدرقه کرده و هنگام برگشت به استقبال‌شان می‌رفتند و از آنان تقاضای دعا می‌کردند... (اتحاف)

۹ - عن بریدة رضی الله عنه قال قال رسول‌الله ﷺ النفقة فی‌الحج کاالنفقة فی سبیل‌الله سبعمائة ضعف کذا فی الترغیب... (رواه احمد و اسناده حسن. طبری. بیهقی) رسول اکرم ﷺ فرمود خرج در سفر حج همچون صدقه در راه خدا است یکی به هفتصد می‌باشد...

توضیح) در روایتی رسول اکرم ﷺ خطاب به عایشه رضی الله عنها فرمود ثوابت در عمر باندازه صدقات تو می‌باشد یعنی هراندازه خرج و صدقه‌ات بیشتر باشد ثوابت بیشتر خواهد بود... در روایتی آمده است خرج و صدقه کردن در راه حج صدقهٔ در راه خدا است امّا ثواب در حج هفتصد برابر است (کنز) در روایتی آمده است خرج یک درهم در حج با ۴ کرور برابر است با این حال اگر کسی در سفر بخیلی ورزد ضرر و خساره‌اش بی‌نهایت خواهد بود...

بزرگان دین درباره فراخدلی و خرج در سفر حج تأکید کرده‌اند و از بخیلی بشدّت برحذر داشته‌اند امام غزالی رحمه الله می‌گوید اسراف این است که کسی در خور و نوش خود زیاد روی کند و از چیزهای پرقیمت استفاده کند امّا خرج در راه خدا اصلاً اسراف نیست...

کمک و یاری می‌رساند این بجای خرج بر خود خرج بر مردم آن سامان می‌باشد و حتماً حجاج عزیز به این نکته توجه داشته باشند...

من از معیّت و همراهی استاد عزیز و گرامی حضرت مولنا خلیل احمد سهارنپوری رحمه الله دو بار در سفر حرمین شریفین بهره‌مند شدم، در این سفر بدقّت به معمولات حضرت توجه داشتم از جمله دیدم که اگر کسی از مردم هندوستان هدیه‌ای تقدیم می‌داشت نخست سعی می‌فرمود تا آنرا رد کند و می‌فرمود مردم هندوستان بیشتر نیاز دارند بروید به مردم آن سامان بدهید و بالْخصوص ادرس علماء و اهل فضل را به آنان می‌گفتند، و بعد از اصرار اگر مجبور به قبول هدیه می‌شدند فوراً به من می‌داد و می‌فرمود زود برو بازار چیزی خریده بیاور تا به حضرات تجّار این دیار کمکی شده باشد...

حضرت عمر رضی الله عنه می‌فرمود از علامت و نشانی سخاوتمندی این است که توشه سفر از چیزهای خوب و عمده باشد و از عمدگی توشه دو چیز می‌تواند مقصد باشد: ۱ - بهتر بودن همان چیز، ۲ - در صورت خرج احساس ناراحتی نکردن...

نیز از سیدنا عمر رضی الله عنه نقل شده است بهترین حجاج کسی است که نیّتش خالص برای خدا باشد، توشه‌اش بهتر باشد، و اعتماد و یقین بر خدای تعالی داشته باشد... (اتحاف)

در روایتی آمده است کسی که از خرج کردن در راه رضامندی خداوند بخیلی کند او بخرج کردن چندین برابر در راه غیررضای حق‌تعالی گرفتار گردد. و کسی که بخاطر کارها و غرضهای دنیا حج را بتأخیر اندازد او تا پایان موسم حج که حجاج برگردند به هدفش نرسد، و کسی که از امداد برادر مسلمان شانه خالی کند او در کمک به کار معصیّت مجبور می‌گردد... (ترغیب به روایت طبرانی عن ابی جحیفة)

۱۰ - عن جابر رضی الله عنه ما امّعر حاج قط قیل لجابر رضی الله عنه ما الامعّار فال ما افتقر (رواه الطبرانی فی الاوسط وبزّاز رجالة **رجال الصّحیح**، ترغیب) رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم فرمود حاجی واقعی که بر حج پای‌بند بماند هرگز فقیر نخواهد شد...

توضیح) در روایتی دیگر آمده است که حج و عمره از فقر جلوگیری می‌نماید. (کنز)... در روایتی آمده است پشت سر هم حج و عمره از سوء‌خاتمه نجات می‌دهد و از فقر جلوگیری می‌کنند...

در روایتی آمده حج کنید غنی می‌شوید، سفر کنید صحت‌یاب می‌شوید. (کنز) یعنی تبدیلی آب و هوا اکثراً سبب صحت‌مندی می‌شود، و این به کثرت تجربه شده است...

در روایتی آمده پشت سر هم حج و عمره فقر و گناهان را همچون کورهٔ آتش که زنگهای آهن را می‌زداید ازبین می‌برد. (کنز)

۱۱ - عن عایشة رضی الله عنها قالت استاذنت النّبیّ ﷺ فی الجهاد فقال جهادکن الحج. (متفق علیه مشکوة) سیده عایشه رضی الله عنها می‌گوید از رسول خدا ﷺ اجازه خواستم تا در جهاد شرکت کنم فرمود جهاد شما زنان حج است.

توضیح) در روایتی از سیده عایشه رضی الله عنها نقل شده که ایشان از رسول اکرم ﷺ پرسیدند آیا جهاد بر زنان فرض است؟ فرمود: آری جهادی فرض است که در آن قتال نیست و آن حج و عمره می‌باشد (مشکوة)

حضرت حسین رضی الله عنه می‌فرماید: شخصی خدمت مبارک رسول‌الله ﷺ آمد و گفت من ضعیف و کم‌همتم. رسول‌الله ﷺ فرمود: بیا به تو جهادی یاد دهم که در آن اصلاً سیخ و زحمت نیست (یعنی حتیٰ اندکی زخم ندارد) و آن حج است، (ترغیب). در روایتی نقل شده است اینکه سیده عایشه رضی الله عنها عرض کردند یا رسول‌الله ﷺ جهاد از همه اعمال افضل است. آیا ما زنان جهاد نکنیم؟ حضرت فرمود: برای شما افضلتر همانا جهاد بصورت حج است. (ترغیب)

حضرت ابوهریرة رضی الله عنه می‌فرماید رسول خدا ﷺ فرمود: جهاد پیرسالان، ضعیفان و زنان حج می‌باشد، (ترغیب). در روایتی آمده جهاد پیرها و ضعفاء و زنان حج و عمره می‌باشد. (کنز)

این مطلب در احادیث زیادی آمده است... امّا علاوه بر آن در روایتی رسول‌مکرّم ﷺ خطاب به زنان فرمودند: این حج است که شما انجام می‌دهید و بعد از این در خانه‌هایتانه بر حصیر خانه بنشینید. از این فرمایش مبارک بعضیها چنین نتیجه گرفتند برای امّهات المؤمنین حج یکبار است چنانچه حضرت زینب رضی الله عنها و حضرت سوده رضی الله عنها دوباره اصلاً به حج نرفتند و می‌فرمودند خود ما این حدیث را از رسول‌مکرّم ﷺ شنیده‌ایم چگونه دوباره به حج رویم. لکن دیگر ازدواج مطهّرات بر احادیث اوّل عمل کرده مرتب برای حج می‌رفتند. (ترغیب). هر دو ارشاد مبارک

صحیح و درست می‌باشد و اصلاً تعارضی درمیان این دو ارشاد وجود ندارد. . . زیرا مسئله زنان بسیار خطیر و نازک است. سفر زنان تحت شرایط خاصی انجام می‌گیرد، درست حج و عمره بخاطر فضائل و برکاتی که دارند بهترین عبادات بشمار می‌روند، امّا از جائی که سفر زنان مقیّد به شرایط می‌باشد و ترتیب و تأمین آن شرائط دشوار نیز هست لذا رسول مکرّم تأکید فرمودند حتماً محرم همراه داشته باشند و در بسیاری از احادیث آمده که سفر زنان بدون محرم اصلاً جائز نیست، و در روایتی آمده مرد و زن نامحرم اجازه ندارند با هم تنها باشند و هیچ زنی بدون محرم حق سفر ندارد.

در روایتی آمده زن عورت است چون از خانه بیرون رود، شیطان پشت سر او قرار گرفته، همه بر او توطئه می‌کند. . . در روایتی آمده هر جا زن و مردی نامحرم تنها شوند سوّمی شیطان خواهد بود (مشکوة)

در روایتی آمده از رفتن پیش زنان نامحرم بشدّت اجتناب کنید کسی عرض کرد یا رسول‌الله اگر زن از بستگان مرد باشد؟ فرمود برادر یا خویشان مرد برای زنش چون مرگ می‌باشند. (مشکوة) معنی موت یعنی موجبات هلاکت فراهم می‌گردد، زیرا همیشه با هم بودن و تنها بودن هلاکت را بوجود می‌آورد. و این وعیدها بکثرت در احادیث وارد شده است و امّا زن در سفر بسا مجبور می‌شود تا با مردان تماس بگیرد زیرا در سفر مجبوری‌های زیادی پیش می‌آید. لذا در سفر موجبات هلاکت بیشتر خواهد بود. بنابراین سفر زن بدون محرم اصلاً درست نیست. حال سفر زن بدون محرم جائز نیست چه نوبت تنهایی با مرد نامحرم پیش آید یا نیآید. . (توضیح) این مسئله مربوط به فقه احناف می‌باشد)

۱۲ ـ عن ابن عباس ﷺ قال قال رسول‌الله ﷺ من اراد الحج فلتعجّل، ابوداود و در ترغیب به الفاظ دیگر از اصفهانی نقل شده است که رسول‌الله ﷺ فرمود هرکس قصد حج دارد هر چه زود برود. . .

توضیح) در روایتی آمده ست در اداء فرض تعجیل باید کرد معلوم نیست اندکی بعد چه بشود. (ترغیب).

در روایتی آمده در حج تعجیل کنید معلوم نیست مرض پیش آید یا ضرورتی دیگر رخ دهد (کنز). در روایتی آمده است که نکاح از حج مقدم می‌باشد. (کنز). . . در روایتی آمده کسی که می‌خواهد حج کند عجله کند. زیرا انسان گاهی مریض و گاهی

سواری میسّر نیست و گاهی به مصیبتی دیگر گرفتار می آید. (کنز)... در روایتی آمده که در اداء حج تعجیل کنید معلوم نیست چه گرفتاری پیش آید. (کنز) بنابر همین احادیث ائمه دین فرموده‌اند هرگاه حج بر کسی فرض شد. فوراً باید به حج رود و اگر تأخیر کند گنهکار می‌شود... در روایتی آمده اداء حج فرض. بیست مرتبه از جهاد افضل است. (کنز) در روایتی آمده که حج جهاد است و عمره فضل است (کنز)

۱۳ ـ عن ابی هریرة رضی الله عنه قال قال رسول‌الله ﷺ من خرج حاجاً فمات کتب له اجر الحاج الی یوم القیامة و من خرج معتمراً فمات کتب له اجر المعتمر الی یوم القیامة و من خرج غازیاً فمات کتب له اجر الغاری الی یوم القیامة. رواه (بویعلی من روایة ابن اسحٰق و بقیة رواته ثقات کذا فی الترغیب)

رسول اکرم ﷺ فرمود کسی که به قصد حج سفر کند و بمیرد ثواب حج به او می‌رسد تا قیام قیامت و کسی که به قصد عمره سفر کند و بمیرد اجر و ثواب عمره کنندگان تا قیام قیامت به او رسد. و کسی که به قصد جهاد رود و بمیرد ثواب غازیان تا قیام قیامت به او رسد...

توضیح) در روایتی آمده که هرکس به نیت حج و عمره خارج شود و در راه بمیرد نه در عدالت محشر او را احضار کنند و نه به حساب بکشند از هر دو نجات کرده گفته می‌شود برو به بهشت. (ترغیب)

در روایتی آمده بیت‌الله ستونی از ستونهای اسلام است کسی که به نیّت حج و عمره سفر کند و بمیرد مستقیم برود به بهشت و کسی که بعد از عمل حج و عمره برگردد با اجر و غنیمت برگشته است (ترغیب)

معنی غنیمت این است که آنچه خرج کرده است حتماً عوض آن به او داده خواهد شد. همچنانکه در حدیث ۱۰ گذشت. در روایتی آمده. کسی که در راه مکّه مکرّمه هنگام برگشت بمیرد او از حساب و حضور پای میزان محشر محفوظ خواهد ماند. (ترغیب)...

در روایتی آمده کسی که به قصد مکّه مکرّمه سفر کرده و در راه بمیرد او از حساب و حضور به میزان محشر محفوظ و مستقیماً به بهشت رود (کنز)... در روایتی آمده بهترین مرگ آن است که حاجی از حج فارغ شده و یا بعد از رمضان مبارک بمیرد (کنز). یعنی در این دو حالت شخص از گناهان پاک شده است... در روایتی آمده کسی

که در حال احرام بمیرد روز محشر لبیک‌گویان از قبر بلند می‌شود. . . (کنز)

۱۴ - عن ابن عباس ﷺ قال انّ امراة من خثعم قالت یا رسول‌الله ﷺ ان فریضةالله فی الحج ادرک ابی شیخاً کبیراً لایثبت علی الرّاحلة افا حج عنه قال نعم و ذلک فی حجة الْوداع (متفق‌علیه مشکوة). یکی از زنان قبیله خثعم بحضور رسول‌اکرم ﷺ رسید و گفت یا رسول‌الله پدرم که مردی پیر و ناتوان است. اینک واجب‌الحج شده است امّا نمی‌تواند بالای سواری قرار گیرد. آیا می‌توانم از طرف او حج کنم؟ فرمود: آری می‌توانی از طرف او حج کنی. . .

توضیح) در روایتی آمده یکی از یاران خدمت مبارک رسول‌الله ﷺ عرض کرد خواهری دارم بر خود حج نذر کرده است و مرده است حال تکلیف او چه خواهد شد؟ حضرت ﷺ فرمود اگر بذمّه‌اش وام کسی بود تو ادا می‌کردی؟ گفت آری. رسول اکرم ﷺ فرمود این وام را نیز اداکن (مشکوة)

یکی دیگر از اصحاب عرض کرد یا رسول‌الله ﷺ پدرم مریض است و بسیار پیر. او نمی‌تواند حج و یا عمره بجا آورد. و اصلاً قادر به سفر نیست. رسول اکرم ﷺ فرمود تو می‌توانی از طرف پدرت حج کنی (مشکوة)

در روایتی آمده در مقابل چنین سئوالاتی فرمودند اگر بر پدرت وام باشد تو اداء می‌کنی؟ گفت آری اداء می‌کنم. رسول اکرم ﷺ فرمود خداوند مهربانترند چرا فرض خود را قبول نمی‌کند برو از طرف پدرت حج انجام ده. . . در روایتی آمده که هرکس از طرف والدین خود بعد از مرگشان حج کند او از جهنّم خلاصی یابد و برای والدین حج کامل نوشته شود و در اجر و ثواب آن کمترین نقصی وارد نگردد. برای خویشاوند از این بالاتر صله‌رحمی وجود ندارد که بعد از مرگش حج کند و بر بالای قبرش ایصال ثواب نماید. . . (کنز)

یکی از یاران پرسید یا رسول‌الله ﷺ اگر والدین من زنده بودند با آنان خوش‌رفتاری می‌کردم و اینک که زنده نیستند باز هم می‌خواهم با آنان حسن‌رفتار داشته باشم به چه طریقی می‌توانم چنین کنم؟ رسول مکرم ﷺ فرمود چون برای خود نماز می‌خوانی برای آنان نیز نماز بخوان یعنی نماز بخوان و ثواب آنرا بر روح آنان ایصال کن. و نیز می‌توانی برای آنان روزه بگیری چنانکه برای خودت می‌گیری. . . یکی از اصحاب عرض کرد یا رسول‌الله ﷺ ما برای مردگان صدقه می‌دهیم. حج می‌کنیم و

دعاء مغفرت می‌کنیم. آیا به آنان می رسد؟ حضرت ﷺ فرمود آری همه می‌رسد، و مردگان از این‌کار خیلی خوشحال می‌شوند همچنانکه برای شما در ظرفی طعام آورده شود چطور خوشحال می‌شوید آنان نیز با این‌کارها خوشحال می‌شوند. . . (مناسک ملاعلی قاری).

حج بدل دو نوع می‌باشد: ۱ - نفل، در این شرائطی نیست هر طور باشد قبول است، حج یا عمره کرده ثواب به روح مرده ببخشد یا فقط طواف کرده ثوابش را به مرده ببخشد، ۲ - حج فرضی، این دارای شرائط زیادی است می‌باید با توجه مسائل و شرائط را از علماء یادگرفته اقدام کرد. . .

۱۵ - ان‌الله لیدخل بالحجة الواحدة ثلاثة نفرفی الْجنة المیّت و الحاج و المنفذ لذلک (کنز). رسول اکرم ﷺ فرمود با یک حج سه نفر به بهشت می‌رود: ۱ - میّت. ۲ - حاجی بدل، ۳ - فرستنده یعنی کسی که پول و توشه تهیه کرده است. . .

توضیح) در روایتی آمده حاجی بدل برابر میّت ثواب دارد. (کنز). . .

ابن موفق رحمه الله می‌گوید من از طرف رسول اکرم ﷺ بار بار حج می‌کردم. باری در خواب دیدم اینکه به زیارت رسول مکرّم ﷺ مشرف شدم. فرمود ابن‌موفق تو از طرف من حج می‌کنی؟ عرض کردم بلی یا رسول‌الله ﷺ فرمود تو از جانب من لبیک می‌گوئی؟ عرض کردم بلی. فرمود من روز قیامت عوض آن را به تو خواهم داد، ترا به بهشت خواهم برد، در حالی که مردم مشغول حساب هستند. (اتحاف)

در روایتی آمده است که در صورت حج بدل (۴ نفر) به بهشت می‌روند. ۱ - وصی، ۲ - کسی که وصیت را نوشته است، ۳ - خرج‌کننده، ۴ - حاجی بدل (کنز). دقت باید کرد که در حج بدل نیّت خالص باشد فقط هدف حج و زیارت و کمک به میّت باشد و از حج هدف مال نباشد، زیرا اگر چنین باشد کسی که او را به حج می‌فرستد به او ثواب می‌رسد امّا حاجی بدل از ثواب محروم می‌گردد. . .

امام غزالی رحمه الله می‌گوید کسی که حج بدل انجام می‌دهد و مقصدش دنیا و مال باشد بی‌شک او عوض دین دنیا اختیار کرده است لذا بهتر این است که حج بدل را شغل تجاری قرار ندهد زیرا خداوند به برکت دین دنیا عطا می‌فرماید امّا بوسیلهٔ دنیا دین عطا نمی‌فرماید، او مشغول هیزم دنیا است ثواب از کجا (اتحاف)